



سرشناسه: عیدی، مرضیه، ۱۳۶۶ -

عنوان و پدید آورنده: افسانه خورشید و ماه ۲/ نویسنده مرضیه عیدی.

مشخصات نشر: شیراز: ارم شیراز، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۶۵۳ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۴-۰۵۷-۵

شابک دوره: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۴-۰۶۷-۴

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: داستان‌های فارسی - قرن ۱۴

موضوع: Persian fiction - 20th century

رده بندی کنگره: ۱۳۰۰۷۳ الف ۴۵۵ ب/ PIR۸۳۵۴

رده بندی دیویی: ۸۴۳/۰

شماره کتابشناسی ملی: ۵۰۴۷۱۴



سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

نام کتاب: افسانه خورشید و ماه دوم

مؤلف: مرضیه عیدی

صفحه آرا و طراح جلد: فاطمه عیدی

تیراژ: ۱۰۰۰

قطع: وزیری

تعداد صفحه: ۶۵۳ ص

ناشر: انتشارات ارم شیراز

نوبت چاپ: اول

لبنوگرافی، چاپ و صحافی: واصف

قیمت: ۴۰۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۴۵۴-۰۵۷-۵

مدیر مسئول انتشارات: دکتر مسعود صفار

درس: شیراز - میدان دانشجو - مجتمع پزشکی نشاط - طبقه چهارم - انتشارات ارم شیراز

تلفن: ۰۷۱۳-۶۴۶۲۰۷۷، فاکس: ۰۷۱۳-۶۴۶۲۰۵۸

وب سایت: www.erampub.com

طبق قانون حمایت از آثار مولفین و مترجمین، تمامی حقوق جهت مؤلف و ناشر براساس قرارداد فی مابین محفوظ است و هرگونه کپی برداری ممنوع و پیگرد قانونی دارد.

۱	مقدمه
۴	فصل سوم «روزگار ماه و خورشید»
۵	بخش اول «کابوس پر تکرار»
۲۰	بخش دوم «معرکه در میدان شهر»
۳۵	بخش سوم «پری گمشده»
۵۳	بخش چهارم «پرسش عجیب»
۷۵	بخش پنجم «همه مر»
۹۲	بخش ششم «یا اوز اهرگز...»
۱۱۲	بخش هفتم «عبور از جنگ تاریک»
۱۲۴	بخش هشتم «باز هم بخو...»
۱۴۷	بخش نهم «صاحب خانه»
۱۶۴	بخش دهم «هیأت وزیران»
۱۷۹	بخش یازدهم «در جست و جوی آزادی»
۱۸۹	بخش دوازدهم «مادرانگی و مردانگی»
۲۰۹	بخش سیزدهم «طلسم کلبه»
۲۲۱	بخش چهاردهم «خاطرات سوخته»
۲۶۰	بخش پانزدهم «پایانی سرخ و گرم»
۲۸۳	بخش شانزدهم «ناله‌ی غمبار کلبه»
۲۹۴	بخش هفدهم «وفای به عهد»
۳۰۹	فصل چهارم «عاشقانه‌های خورشید و ماه»
۳۱۰	بخش اول «گل اشک ازدها»
۳۴۱	بخش دوم «بازی با مهره‌ی سرباز»
۳۶۳	بخش سوم «در جست و جوی آرزوها»
۳۸۲	بخش چهارم «ملاقات با آلیس»
۳۹۲	بخش پنجم «هدایت گروه پریان»

۴۱۲	بخش ششم «داماد منتخب»
۴۳۱	بخش هفتم «ناخدایی؛ سوار بر امواج عشق»
۴۵۱	بخش هشتم «قهرمان افسانه‌ای»
۴۶۷	بخش نهم «طلوعی چسبیده به تاریکی»
۴۸۵	بخش دهم «نشان خورشید»
۵۰۰	بخش یازدهم «بسوزان تا ساخته شود»
۵۲۸	بخش دوازدهم «گودال عشق»
۵۴۸	بخش سیزدهم «نقش‌ی نبرد»
۵۶۸	بخش چهاردهم «درست مثل گذشته»
۵۹۲	بخش پانزدهم «نبرد با ازدهای سیاه»
۶۱۷	بخش شانزدهم «شمایلی آشنا»

مقدمه

تا کنون به این اندیشیده‌اید که تخیل چیست؟ چه در ذهنتان اتفاق می‌افتد که شما را به سمت و سویی خیالی می‌برد؟ تا کنون با خیال خود، همسفر شده‌اید؟ دست در دستش به این سو آن سو، سر زده‌اید؟ زمستان را در شعرهایتان قهرمان فصل‌ها کرده‌اید؟ از بهار گل‌مه‌مند شده‌اید؟ در گرمای تابستان یخ زده‌اید؟ خردتان را با قدرت‌های اشیاء و نباتات و جمادات و فرض کرده‌اید؟

اگر موابتان منفی است، باید به شما بگویم که تخیل جز لاینفک زندگی هر انسانی است. یکی منطقی‌ترین افراد نیز در زندگی خود، بارها از تخیل استفاده کرده‌اند. من به شخصه بر این باورم که اگر تخیل در زندگی بشر وجود نداشت، هیچ یک از اختراعات به نفع و زیان نمی‌پیوست، چرا که اختراعات نیز روزی بخشی از تخیلات ذهن انسان بوده‌اند.

نه تنها اختراعات، بلکه زندگی عادی افراد نیز عجین شده با تخیل است. شما خردتان را تصور کنید در حالی که به سمت محل کار، تحصیل یا دیدن اقوام و دوستانتان می‌روید. در آن لحظه، من کار، تحصیل یا منزل دوستان در ذهنتان نقش می‌بندند. شما در گفت‌وگویی کوتاه و تخیلی با همکاران، هم‌کلاسی‌ها و دوستانتان برخورد می‌کنید، حتی گاهی واکنش‌های آن‌ها را پیش‌بینی و با خیال پردازی، تصویر آن را از نظرتان می‌گذرانید.

حتی زمانی که شما آرزوهایتان را در سرتان می‌پرورانید با خیال پردازی به آن‌ها پرواز می‌دهید؛ گاهی رنج می‌کشید و در خیال خود هم‌چنین اسیری در سلول مانده به دنبال طلوع صبحی آزادی هستید و گاهی دیگر، بهرمان دنیای کوتاه می‌شوید تا تمام کسانی را که دوستشان دارید، نجات بدهید. شما زندگی‌تان را با تخیل پیش می‌برید و با تخیل به آن‌ها پرواز می‌دهید، هر چند در دنیایی واقعی، زندگی می‌کنید و با اتفاقاتی واقعی سر و کار دارید.

برای ساختن فضایی کاملاً تخیلی، کافی است پا را کمی فراتر بگذارید. غوطه‌ور شدن در خیال و پرواز در دنیایی خیالی، شما را از روزمرگی نجات می‌دهد، برای لحظاتی از دنیای واقعی جدایتان می‌کند، پیش رویتان افق‌های تازه‌ای را می‌گشاید و هیجان را در شما زیاد می‌کند.

بهتر است یک بار آن را امتحان کنید و در خیالی‌ترین شهری که می‌توانید در

ذهنتان بسازید، برای لحظاتی زندگی کنید. آن گاه وقتی چشمانتان را می‌گشایید، احساسی متفاوت خواهید داشت، برای شروع یک روز خوب آماده‌اید و برای مقابله با مشکلات تحمل بیشتری پیدا کرده‌اید.

هر چند خیال کردن و خیال پردازی سخت است؛ اما از خیال نوشتن، سخت‌تر است. من بر آن شدم تا در دنیای کتاب‌هایی که همیشه با حقایق تلخ واقعی پیش رویمان گشوده می‌شود، از تخیل خودم بهره بگیرم و داستانی بنویسم که اگر چه تخیلی است؛ اما ریشه در احساساتی واقعی دارند.

پس، احساس دوست داشتن، ترس، کینه، نفرت، خودخواهی، تلاش و هزاران احساس دیگر را در هم آمیختم و از آن رمانی بلند ساختم؛ سپس آن را با تخیل عجیب کردم تا فضا را از رحمت و کسالت بیرون بیاورم و ذهن مخاطب را با خواندن آن‌چه که در واقعیت دنیای من به سمت و سوی تازه‌ای بکشانم.

در پایان برای خوانندگان این داستان، آرزوی تخیلی‌ترین و زیباترین رویاها را دارم.